

گذراندم زیرا در این شهر کسی را نداشتم و تنها بودم. خانواده‌ام دور بودند و آسان نبود که خودم را با این شرایط وفق بدهم، اما بعد از اینکه دختر و پسر به دنیا آمدند، از همسرم خواستم به من نقاشی یاد بدهد. با وجود رسیدگی به کارهای ۲ بچه و خانه‌داری، نقاشی سخت بود، اما شب‌ها که بچه‌هایم می‌خوابیدند برای نقاشی تکرار و تمرین می‌کردم تا یاد بگیرم.»

✚ می‌خواستم حافظ محیط زیست باشم

هنر نقاشی روح حیاتی را جلا می‌بخشد و بعد از مدتی، ابتدا همسرش پیشنهاد می‌دهد که او در نقاشی، آثار متفاوت‌تری را خلق کند. حیاتی نیز اوایل با دانه‌های جامدی که در کارخانه رنگ‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کار کلاژ را شروع می‌کند. این کار ابداع خودش بود، اما به این دلیل که این دانه‌ها حافظ محیط زیست نیستند و تجزیه آن‌ها طول می‌کشد، تصمیم می‌گیرد جایگزینی برای آن‌ها انتخاب کند. «با خودم گفتم اگر می‌خواهم حافظ محیط زیست باشم، باید همان چیزی را که در سطل زباله ریخته می‌شود به ارزش افزوده تبدیل کنم. بنابراین از پارچه‌های دورریز استفاده کردم. اولین اثری که خلق کردم، آرامگاه خیام و بعد از آن تخت جمشید بود که به نسبت تکه‌پارچه‌های درشت‌تری در آن به کار بردم و به مرور پارچه‌ها ریزتر شد.»

دورتادور دیوارهای اتاقی که در آن گفت‌وگو می‌کنیم، در چند ردیف، تابلوهای حیاتی به دیوار نصب شده است. طبیعت، نور، در چوبی، حالت چهره، نوع نگاه و ... در تابلوها پیداست. قیچی، پنس جراحی، کاردک و چسب همه ابزار کاری است که روی میز به چشم می‌خورد. خیاطی‌ها نیز تکه‌پارچه‌ها را کیسه کیسه برایشان می‌آورند تا حیاتی آن‌ها را به اثری فاخر بدل کند. «کار پرهزینه‌ای نیست، اما هنر دست است و نتیجه نهایی کار، قیمت تقریباً گرانی دارد. تکنیک کلاژ بعد از جنگ جهانی دوم که تحریم همه‌گیر شده بود و نقاش‌ها برای تهیه رنگ در مضیقه بودند باب شد که به جای رنگ، از اشیایی مانند پیچ و مهره، نخود و لوبیا، کاغذ یا ... استفاده می‌کردند. اما من از تکه‌های بسیار ریز پارچه استفاده می‌کنم و اثر هنری دیگران را با این میزان جزئیات ندیده‌ام. بعد از اینکه از کارهایم استقبال شد، تصمیم گرفتم آثار ونگوک، نقاش هلندی، را به صورت کلاژ در بیاورم که خیلی مورد توجه قرار گرفت.»

✚ اثری که در موزه سلطنتی هلند نصب شد

حیاتی تاکنون نمایشگاه‌های متعددی در کشورهای مختلف اسپانیا، ترکمنستان، آلمان، هلند، بلاروس و ... برگزار کرده است. ۲ سال گذشته نیز در مسابقات جهانی رامبراند (نقاش معروف هلندی) شرکت می‌کند و اثر «نگهبانان شب» را به صورت کلاژ ارائه می‌دهد که میان ۸ هزار و ۳۰۰ اثر از سراسر جهان برای نصب در موزه سلطنتی هلند انتخاب می‌شود. «این اثر را با حدود ۱۰۰ هزار قطعه میلی‌متری از پارچه‌های دورریز ارائه دادم و پس از ۴ ماه نصب در موزه، در یک جراحی به فروش رسید.»

او در سال ۹۶، یک شرکت تعاونی در حوزه صنایع دستی و هنرهای تجسمی راه‌اندازی می‌کند که همان سال به عنوان شرکت تعاونی برتر ملی ایران برگزیده می‌شود و سال ۹۸ به دلیل اینکه این شرکت حافظ محیط زیست و همراه با خلاقیت بود، به عنوان برتر سبز ملی کشور انتخاب می‌شود. «پس از آن در دوره رشد پارک علم و فناوری پذیرفته و

جزو شرکت‌های صنایع خلاق ایران شدیم. سال گذشته نیز در مسابقات ملی پیستا که متولی برگزاری آن صندوق ملی شکوفایی و نوآوری بود، شرکت کردیم و به عنوان یکی از پنج شرکت خلاق ایران برگزیده شدیم.»

✚ آموزش به شرط اشتغال

او رؤیایی در سر دارد. آن هم این است که روزی زنان ایرانی که توانمند نیز هستند به خودباوری برسند. او معتقد است زن ایرانی می‌تواند خلاق و توانمند باشد و اگر خودش را بشناسد، قادر به انجام هر کار دشواری است. همین دیدگاه موجب می‌شود به فکر اشتغال‌زایی بیفتد. «تا به حال گفته‌ام و باز هم می‌گویم در این آموزشگاه به روی زنان و دخترانی که از لحاظ مالی وسعشان پایین باشد، باز است و به آن‌ها به شرط اشتغال، رایگان آموزش می‌دهم. اکنون شاگردانی دارم که از مسیرهای دوری مانند سیدی یا شهرک شهید رجایی چند اتوبوس عوض می‌کنند تا به آموزشگاه برسند، اما به این هنر علاقه‌مند هستند و سختی آن را می‌پذیرند. ضمن اینکه نیاز مالی‌شان تأمین می‌شود. خوشبختانه تا به حال به این واسطه برای ۵۰ نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد شده است.»

او حتی می‌خواهد پای این هنر و اشتغال‌زایی را به زندان زنان نیز باز کند. حیاتی معتقد است زنان زندانی این مهارت را می‌آموزند و علاوه بر اینکه ذهنشان از مشکلات رها می‌شود، بعد از زندان می‌توانند منبع درآمدی برای خود داشته باشند. «می‌خواهم به بانوان بگویم یک هنر

را در هر زمینه‌ای که باشد، برای تنهایی‌های خودشان یاد بگیرند زیرا همیشه اطراف آدم شلوغ نیست و باید به فکر یک سرگرمی هم‌چنین منبع درآمد برای خودمان باشیم. هنرهایی هست که مانند کلاژ به ابزار خاص یا گران‌قیمتی نیاز ندارد و حتی همین هنر را می‌توانند در خانه‌شان انجام بدهند.»

حیاتی بر این باور است که رغبت به کار کلاژ حتی بیش از نقاشی است، اما هم‌اکنون مردم دغدغه معاش و غذای جسمشان را دارند و دیگر دغدغه غذای روحشان را ندارند تا بخواهند با دیدن یک تابلو به آرامش برسند. «در این مقطع زمانی، قشر خاصی کارها را تهیه می‌کنند، اما دوست دارم کارهای کوچک‌تری با قیمت مناسب‌تر نیز ارائه بدهم تا افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند.»

این هنر با اینکه هزینه‌ای در بر ندارد، طاقت‌فرساست و به گفته او، عوارضی مانند گردن‌درد، ضعفی چشم و درد دست را به دنبال دارد. بعد از سال‌ها کار، انگشتانش کمی حالت و عینکی مقابل چشمانش قرار گرفته است. «برای تکمیل کارها، ممکن است ۸ ساعت مداوم پای کار باشم و نمی‌توانم آن را رها کنم زیرا با هر تابلو حس می‌گیرم. دست کم ممکن است ۴ ساعت مداوم کار کنم. طرح‌ها به صورت ذهنی یا کپی از روی یک تصویر و نقاشی است. بیشترین زمانی که طول می‌کشد تا یک تابلوی پرکار را آماده کنم یک ماه است.»

✚ دریافت موافقت اصولی فنی و حرفه‌ای و مجوز نگارخانه

بارها موقعیت کاری بهتر برای حیاتی در کشورهایمانند آلمان و هلند پیش می‌آید، اما هر بار خودش انتخاب می‌کند در کشور بماند. او خودش را مانند درختی تنومند توصیف می‌کند که اگر از ریشه جداش کنند، می‌خشکد. دیگر نهال نیست که در حال رشد باشد و بتواند خود را با هر شرایطی وفق بدهد. «در حال حاضر آموزش مجازی این هنر را به راه انداخته‌ام که حتی افراد از خارج از کشور هم می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند. به فکر راه‌اندازی نمایندگی در شهرهای دیگر هستیم. ۱۸ سالی می‌شود که برای نقاشی، آموزشگاه داریم و به‌تازگی، موافقت اصولی سازمان فنی و حرفه‌ای را گرفته‌ام تا بتوانیم مدرک بدهیم و مجوز نگارخانه را نیز دریافت کرده‌ایم.»

مسیر هیچ زندگی‌ای تا مقصد آن هموار نیست و شخصیت انسان در همین سختی و چالش‌ها ساخته می‌شود. حیاتی نیز به‌ویژه در اوایل کار و شروع زندگی مشترک، سختی‌هایی را تحمل می‌کند که حالا به شیرینی و موفقیت بدل شده است. او معتقد است زنان نباید از سختی‌ها هراس داشته باشند. «اوایل اجاره‌نشین بودیم. حتی ۳ بار ورشکست کردیم و خیلی سختی کشیدیم، اما باز هم دوباره شروع کردیم و ناامید نشدیم. خوشبختانه به مرور سفارش‌ها زیاد شد. سخت کار کردم و فوت و فن کوزه‌گری کار را نیز به همه آموزش می‌دهم و به این دلیل که برای بقیه خوبی خواسته‌ام، کارم برکت دارد. از دانشگاه‌ها هم دعوت به همکاری کردند، اما همین‌جا دانشگاه من است. در مدت ۸ ماهی که به دلیل کرونا، کسب‌وکار خیلی از افراد مانند ما تعطیل بود، باز هم بانوانی که با ما در ارتباط هستند، در خانه‌هایشان کار کردند و حقوق آن‌ها را پرداخت کردیم.»

✚ هنرمندان من را قبول نداشتند

او اوایل که شروع به کار می‌کند چند نمونه از تابلوهایش درست از کار در نمی‌آید، اما باز هم تلاش می‌کند و حالا زمانی که به آن روزها می‌اندیشد، لبخند رضایتی گوشه لبانش جا خوش می‌کند. او شعارش در هنر کلاژ، از هیچ به همه چیز رسیدن است. «اوایل خیلی کارها خراب می‌شد، اما چندباره پارچه‌ها را می‌کندم و دوباره می‌چسباندم تا طرحی که می‌خواهم به دست بیاید. نکته مهم این است که نباید به این بهانه‌ها دست از کار کشید. حتی اوایل کارم، زمانی که در جشنواره‌ها شرکت می‌کردم و رتبه می‌آوردم، هنرمندان دیگر من را قبول نداشتند و زمزمه‌هایی می‌شنیدم که می‌گفتند کار مهمی انجام نداده و تنها پارچه‌ها را به هم چسبانده است. اما من اهمیت ندادم و در همه این سال‌ها برای هر کدام از تابلوهایم جداگانه فکر کردم تا جزئیات و ترکیب رنگ درستی داشته باشد.»

انگار که سرشت حیاتی و خانواده‌اش با هنر نقاشی و تکنیک‌های مختلف آن گره خورده است که علاوه بر خود و همسرش، فرزندانش نیز دستی بر آتش این هنر دارند. «دخترم نقاش و نگارگر است. کارشناسی ارشد هنر می‌خواند و تکنیک کلاژ را نیز به‌خوبی یاد دارد. رشته درسی پسرم مهندسی نفت است و به عنوان مجسمه‌ساز و نقاش نیز فعالیت می‌کند. بدون حمایت همسر، موفقیت و تلاش من به نتیجه نمی‌رسید. او همیشه از من حمایت کرد و هرجا که سرخورده می‌شدم، به من امید می‌داد.»



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۰۰

(۵)

